

تاوان خطای بوش در ترجیح وهابیت بر شیعه

[ترجمه: محمد اسماعیل نوری؛ منبع: mid-east monitor]

علل مداخلات و بی تحرکی آمریکا:

با وجود آن که، امنیت آمریکا با عمیق ترین تهدیدات از سوی عربستان وهابیت و دنباله های آن یعنی القاعده و طالبان وروسست اما حکومت بوش تمایلی به اعمال فشار زیاد به سعودیها برای توقف اشاعه وهابیت نشان نمی دهد. برای این مداخلات دایلی وجود دارد:

عامل اساسی و اول، وابستگی آمریکا به ذخایر فراوان نفت عربستان است که به سعودی ها امکان می دهد تا حتی ۳ میلیون بشکه نفت مزاد بر سهیمه خوشن تولید کنند. این تولید مزاد، انرژی معادل با سلاح های هسته ای، نامیده شده است زیرا سعودیها را در موقعیت بی سابقه و منحصر به فردی قرار می دهد تا به کمک این مزاد ظرفیت تولید، هرگونه اختلال و وقفه در جریان صدور نفت سلفی تولید کنندگان را جبران کند و منابع از افزایش بیش از حد قیمت نفت شوند این بزرگترین خدمتی است که عربستان در ازای پشتیبانی و محافظت ایالات متحده و سایر دول صنعتی انجام می دهد. با این حال به نظر می رسد این استقلال برخی تصمیم گیران آمریکا که بر خورد عسفی و قاطع با اشاعه نفرت دینی از سوی حکومت عربستان ممکن است پادشاهی سعودی را به اقدام متقابل و تلافی جوانه سون دهد، استدلالی بی پایه و اساس است زیرا سعودیها عربستان از مزایای بسیار صنعتی را منتزج خواهد کرد هم. رفاه نسبی که ضامن حفظ ثبات در عربستان است را به مخاطره می افکند.

باز برخی نویسندگان و سیاستمداران اظهار نگرانی کرده اند که سونق دادن خاندان سلطنتی به مبارزه با وهابیها می تواند موجب حملات تروروستی به تأسیسات نفتی حساس و آسیب پذیر این کشور شود یا حتی به سرنگونی سلطنت پنججاهم در این کشور اخیر پیامد به مراتب بدتری به دنبال خواهد داشت. پیامیدی از قبیل برپایی حکومتی در عربستان که منحصر انحصاراً منصفان مذهبی، بی امور آن را در دست می دارد، در حالی که موارد فوق محاطات جدی هستند می روند، باید به یاد داشت که تدریجاً وهابیه سلطنت ووزیرهای نفتی آن را به شیاه غزای ظالمانی نقلی می افکند.

نکته حائز اهمیت این است که سعودی ها با سلوچه دادن خود به عنوان گسترش شوهری مذهب عرب است که اسلام را ازجواز گسترش نفوذ و نفوذی و ابتدایی خود عربستان بدون آنکه موجب ایجاد تنش با کشورهای مسلمان برادش نادرست می شود که گویگی خانواده اسلامی سعودی به نظر ذاتی هوادار غرب است. در مطالقی واقعیت بر این است.

در میان کسانی که در شکل گیری این تصویر از کاخ سعودی در آمریکا نقش بسزا داشته اند باید از دیپلمات سرشناسی این کشور، شاهزاده بنتر بن سلطان یاد کرد. فردی که در ایالات ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۵ در سمت سفیر عربستان در ایالات متحده کار می کرد و اکنون ریاست نهاد مهم شورای امنیت را در قوه دارد. او در لایحه دیپلماتی مربوط به حکومت سعودی در وهابیت نفتی حاشیه عمدی ایفا کرده است. دیپلماتیون سیوشده واشنگتن پس تدره ده وگتر فارشنی های خاص وی می نویسند. بسیاری از رهبران و حتی رهبران جمهوریون آمریکا فراموش می کنند که نوی هیئتیک



برای تاجران و شرکتهای سعودی کار می کنند یا سازمانهای غیردولتی که سعودی ها در آن سرمایه گذاری کرده اند را اداره می کنند. آن طور که گزارش شده است «بنتر» زوری این ایده خود را برای یکی از همکاران نزدیکش بازگو کرده است. او گفته: «مردم است سعودیها از دوستان پس از گزاره گیری از مناصب دولتی حمایت می کنند، اگر بداند در بین آنها که بعداً سر کار می آیند چه دوستان بهتری پیدا می کنند، متعجب خواهد شد.»

حکومت بوش که از مبارزه با گسترش فاشیسم وهابیت در کانون اصلی آن یعنی عربستان سعودی بی میل یا ناتوان بوده است در این وادی قطعاً به اشاعه و تبلیغ مومکراسی مبادرت نموده تا به زعم خویش عرصه را بر رشد گسترش وهابیت تنگ سازد.

به هر حال به نظر می آید این شرایط تناقض آمیز همچنان ادامه خواهد یافت. بویژه برقراری نظام های با ثبات، عدالته در عراق و افغانستان که با افراط گرایی دینی مخالف باشند، مسأله خاتل آمریکا در این دو بحران، زمینه را برای اضوغیگری و جذب نیرو از سوی وهابیت مهیا کند خواهد داشت.

● رجوع وهابیت ستمیزه جوهر شیعه مدار اطلب (فخاهای خسارت باز عصر بنوع)

عدم تمایل حکومت بوش به روبرویی با سعودیها پس از ۱۱ سپتامبر در آفریزا اعتراض های آشفتن تبلیگران لیبرال و محافظت کار روبرو شده. اما با کاهش دورچی از اعتراضات دولت آمریکا در تصمیمی جدید سعودی ها فراوان دارند. اغلب اوقات، آنها از مشاغل سودآور، آری حکومتی برخوردارند و در آن مشاغل به عنوان مشاور

بی مینا، تهدید ایران برای امنیت ملی آمریکا به جای تهدید فاشیسم وهابیت نشانده. این جابه جایی تا آن حد صورت گرفته که کاخ سفید در عین اتخاذ یک سیاست سختگیرانه علیه ایران، قزاقی توأم با مدارا و انعطاف در قبال عربستان سعودی پیش گرفته است.

با وجود نگرانی هایی که دولت آمریکا از برنامه امنی ایران در محافل غرب ساخته است اما بنابر چند عامل مهم می توان گفت که در قیاس با وهابیت ستمیزه جوی، ایران چندین تهدید محسوب نمی شود.

برخلاف دیپلماسی سعودی همواره سیاست خارجی ایران بیشتر مبتنی برانسوبالیسم و منافع ملی این کشور بوده اما مبتنی برارتشاعه اسلام شیعه. از طرفی ایران شیعه، همه قواعد حاکمیت توسعه را در اولی - ملت را محترم می شمارد است اصولاً-وهابیه وهابی سلنت را نپذیرد. اینان ممکن است به منظور تبلیغ جهانی وهابیت از خاندان سعودی به عنوان شر ضرور حمایت کنند، اما چیزی به نام ملت سعودی که دارای منافع مهم در برنامه های دینی شان باشد را به رسمیت نمی شناسند.

مورد ایران از جهات دیگر نیز مستثنی است. تمایلات فاشیستی وهابیت در کمال گرایی شیعه به چشم نمی خورد. در حالی که اغلب مسلمانان غیر شیعه را به عنوان کافرانی که باید آنها را بطور منظم و سیستماتیک از میان برداشت، قلمداد می کنند. از همین روست که در جهان شیعی، چشم انداز سلطه و تحمیل یک فرهنگ مذهبی ایران است. آن طور که در ایران شیعه و برنامه همه آری آن ستمگر نمی خورد. زیرا اسلام شیعه برخلاف اسلام سلفی

دارای منطق سلسله مراتبی است. به طومثال شیعیان عراق و لبنان از طبیب خاطر پشتیبانی می کنند و همه پذیرند. در این جا از اجیرز و تحمیل خوری نیست و همه شیعیان کشورهاهی مورد حمایت ایران به تشکیلات مذهبی خودشان وفادار هستند.

اشباه برگرز در واشنگتن پذیرش این باور غالب است که روابط قوی با عربستان سعودی یک برگ امتیاز در دست کاخ سفید در مواجهه با ایران محسوب می شود. این در حالی است که برخلاف این عقیده، حمایت ایالات متحده از سعودی ها از تباط با ایران را دشوارتر می سازد. واشنگتن بر این واقعیت چشم می بندد که تیرمه سعودی ها از حوادث پیشمار آشوب انگیزی و تحریک جنگجویان وهابی (که اغلب ایران را تهدید می کنند) در حد حوادث استثنای نیستند. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

تهدید کرده است. در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق قطعاً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

تهدید کرده است. در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق قطعاً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

تهدید کرده است. در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق قطعاً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

تهدید کرده است. در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق قطعاً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

تهدید کرده است. در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق قطعاً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

تهدید کرده است. در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق قطعاً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

تهدید کرده است. در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق قطعاً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

تهدید کرده است. در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق قطعاً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

تهدید کرده است. در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق قطعاً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودیها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجزای هر طرح آمریکایی مبتنی بر واگذاری نفوذ عراق به حکومت تسلط شیعیان که به طور دمورکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند

نکته باز می گردد که ایران نیازمند شناسایی جایگاه واقعی خود به عنوان یک دولت ملی معتبر از نظر تاریخی در خاورمیانه است ایران مدهاست که خواهان آن است که قدرت منطقه ای عمده و برجسته مسلمانان در خاور میانه باشد و احتمالاً هم خواهد بود.

سرانجام واشنگتن مجبور است با این واقعیت روبرو شود که بافتن راه حل های قابل قبول دوطرفه برای برخورد با این واقعیت به جای مدعیان بر رویایی کور با ایران - عادی سازی روابط با تهران - به نفع ایالات متحده خواهد بود. برقراری تماس بین ایالات متحده و ایران نه تنها نفوذ آمریکا بر سعودیها را تا حد زیادی افزایش می دهد بلکه تهدید ناشی از ترووریسم سلفی در عراق تا حد کمتری در افغانستان را مهار خواهد کرد. مقامات سعودی از حکومت بوش مصرانه خواسته اند تا انجام گفت و گو با ایران خودداری کند زیرا می دانند که کاهش تنش ها در روابط ایران و ایالات متحده نوجوهای را به صدور اجرام گسیخته و مهار نشدنی وهابیت از سوی حکومت سعودی جلب خواهد کرد.

کاهش وابستگی آمریکا به نفت عربستان سعودی باید بخشی از هر استراتژی فرآگیر و همه جانبه ای باشد که به مسأله تهدید فاشیسم وهابیت می پردازد. اگر چه برزیلندت بوش از تهدید خودی مبنی بر توسعه منابع انرژی جایگزین شونده سخن گفته است اما مزاد ظرفیت تولید به سعودیها امکان می دهد تا قیمتها را پائین نگه دارند. بنابراین ضروری است مطمئن باشیم که استفاده از منابع انرژی جایگزین شونده در دراز مدت مقرون به صرفه برای ما باشد. به استثنای پیشرفتهای اساسی در تکنولوژی های سوخت، پیش بینی خوش بینانه حاکی از آن است که سوختهای رستنی یعنی اتانول دیزل سنتتیک و نفت زرمستی تا سال ۲۰۲۰ -۲۰۳۰ در صد نیازهای نفتی ایالات متحده را تأمین خواهد کرد. به گونه مدت تا میان مدت تنها ذخیره سازی می تواند به میزان چشمگیری وابستگی نفتی آمریکا را رفع کند.

افزون بر این، روبرویی با تهدید فاشیسم ایدئولوژیک وهابیت به همان استراتژی همه جانبه ای نیاز دارد که توانست با حاکمیت کمونیسم در قرن بیستم مبارزه کند. در حالی که متمم قانون اساسی آمریکا یکی از ترید از حق انتقاد افراد از بنویرالیسم، آزادیهای فردی و سایر اصول متعارف و پذیرفته شده غربی حمایت می کند، هیچ معجزه ای در قانون اساسی آمریکا وجود ندارد که حق حکومتها یا ملیت های خارجی برای اشاعه این پیام رخاگ آمریکا حمایت

همچون سایر نقاط جهان، از کشورهای فقیر مسلمان (بسیاری از این کشورها به کمکهای اقتصادی حکومت سعودی یا پولهایی که کارگران آن کشورها در خلیج فارس برای خریدارهای خود می فرستند، وابسته هستند. مسلمانان متضرر شدت از رخاوش ایالات متحده، همان میزان از فشارها داشتند که در دست بگیرد آنها را واشنگتن انتظار اعمال فشار بر حکومت سعودی را دارند.

تدیده نباید داشت که اگر چشمه جوشان دلارهای نفتی به روی وهابیت تنوع شود در نمود بیلینونها دلار حمایت مالی عربستان سعودی، معارت عقیدتی، سیاسی این فرقه شروع به ویران شدن خواهد کرد، بخصوص اگر حکومت سعودی تلاش هماهنگی به منظور گسترش سازمان های بنیانه وراسولایی را در دستور کار اندازد. (در این باره تحقیق RAND موسسه RAND بعضی ارکانهای خاندان متضرر آنها را ارائه می کند).

سردجام این است که فندان عزم جدی حکومت بوش پیگیری شده است که فندان عزم جدی حکومت بوش در روبرویی با تهدید فاشیسم وایدئولوژیک وهابیت است که امنیت آمریکا را به مخاطره می اندازد نه فقدان راههای قابل اجرا و عملی در مبارزه با وهابیت.

کاستروی دوم می داند رشد اقتصاد سال های اخیر آمریکایی لاتین که با دلارهای نفتی ونزوئلا میسر شده است، همواره با خطراتی روبه روست. کمک های هوگو چاوز این امکان را به فیدل کاسترو داد تا اصلاحاتی را که علی رغم میل باطنی و با اکراه و سال های ۱۹۹۰ برای مقابله با سقوط اردوگاه سوسیالیست ها تصویب کرد بود، از سر بگیرد.

در آمریکا، اقتصاددانان، با ارائه های اطمینانی چاوز را با کمک های مالی زمان زمام منقسه می کنند. کشف نفعت در سواحل این کشور و امضای توافقنامه های متعدد با شرکت های خارجی، وابستگی این کشور را که باعث تأخیر در بهینه سازی اقتصاد کوپا می شد کاهش داده است. حال باید دید سوسیالیسم در کوپا تا چه حد می تواند اصلاح شود؟ به اندازه چین وویتنام این طور که معترضان و مخالفان میانه رو می خواهند؟ و این که این اصلاحات تا چه حد به سمت شکلی از سوسیال دموکراسی در کوپا متمایل خواهد شد. کوپایی که دستاوردهای انقلاب خود را در زمینه بهداشت و آموزش می خواهد حفظ کند.

اگر چه راتول ۱۶ ساله بر لزوم منطقی شدن سوسیالیسم کوپا تأکید می کند اما وی باید با مهارت و بدون فوت وقت، اقدام هایی را در این زمینه انجام دهد. در حالی که راتول کاسترو خود را همچون برادرش، مدافع انقلاب کوپا و وحدت مردم مرفهی کرده است آیا خواهد توانست بدون داشتن تعارض با فیدل کاسترو و ادهافت، به درخواست های مردم خود پاسخ گوید؟ در قلموس انقلاب کوپا، وحدت مردم به معنای خودداری از بلورالیسم سیاسی است و این اقدام ها با دفاع از حاکمیت ملی توجیه پذیر دیده است؛ حاکمیت ملی که همواره از سوی امپریالیسم آمریکا تهدید شده است.

انتظار می رود که رفتار کوپا در قبال آمریکا شاید با روی کار آمدن یک رئیس جمهور دموکرات در انتخابات سال ۲۰۰۸ تغییراتی را به خود ببیند. باراک اوباما، نامزد دموکرات ریاست جمهوری آمریکا در تبلیغات انتخاباتی، آمادگی خود را برای گفت و گو با راتول کاسترو و هوگو چاوز اعلام کرده است. هیلاری کلینتون، نامزد دیگر دموکرات ها بعد بدون در این موضوع هنوز موضع صریحی برای رابطه آمریکا با کوپا از خود نشان نداده است. هر حال این نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا هستند که می توانند از سشنان ۲۶ ژوئیه راتول کاسترو برای بهبود روابط واشنگتن - هوانا استفاده کنند. شاید بهبود موفق بین این سخنان و این منظور مطرح کرده است که نشان دهد تا زانیه سابق ۲۰۰۹ یعنی آغاز دوره ریاست جمهوری آمریکا که عنوان مخاطب اصلی قدرت ها، همچنان در قدرت باقی خواهد ماند.

رائول در اندیشه تلفیق آرمان و عملگرایی

[ژان میشل کارول؛ مترجم: محسن قنبری کریمی / منبع: لوموند]

انتقال، جانشینی، نادام؟ دوران گذار کوچکونه خواهد بود و پس از کاسترو کدام یک از این حالت های سه گانه بزور خواهد کرد؟

کارشناسان مسائل کوپا وناظران بین المللی درباره جریان ناشی از بیماری فیدل کاسترو، رهبر کوپا و ترک موقع رهبری امور کشور از یک سال پیش، نظرات مختلفی دارند. اما در این بین بیش از اختلاف عقاید ناظران، رفتار و رویکرد مقام های واشنگتن در قبال کوپا، باعث سردرگمی شده است. کاخ سفید که از ضعف جسمانی رهبر «انقلاب کوپا» کوپا خوشحال به نظر می رسد اما در مقایسه فیدل کاسترو و برادر کوچکترش راتول کاسترو که به «کاسترو لایت» لقب شده است به این نتیجه رسیده که شباهت های دو ویسیار بیشتر از انتظارات آمریکایی هاست.

نمایندگان و سخنگویان جامعه آمریکایی - کوپایی ساکن ایالات متحده کمتر از گذشته از نسل جدید تشکیک یافته است نسل جدیدی که علاقه مند به گفت وگو بین این دو کشور است. یکی از نضادهای تصمیم گیری در سیاست خارجی آمریکا این است که درحالی که سخنگویان اپوزیسیون کوپایی این مقیم آمریکا، سیاست سازش ناپذیری آمریکا در قبال کوپا کمونیست را همچونستان ادامه می دهند در حالی که واشنگتن با کمونیست های دیگر از جمله چین وویتنام در حال مذاکره و تجارت است.

نسل دولت کوپایی - آمریکایی و مهاجران دو دهه اخیر همچون خود کوپایی ها دیگر از سیاست خسته شده اند. مهاجران تازه این کشور در ازوی تقویت پیوند و داشتن ارتباط با خانواده های خود که در آن مایه مانند هستند. در حالی که دولت بوش امکان سفرآنان و انتقال منابع مالی موهبتان کوپایی را بسیار محدود کرده است. هم اکنون مردم عادی توافقنامه مهاجرت از سوی دولت بوش که در آن حدود ۲ هزار روادید در سال پیش بینی شده بود، اختلاف جدیدی بین مقام های هاوانا و واشنگتن به وجود آورده است. این اقدام آمریکا به دلیل افزایش نارضایتی ساکنان کوپا،



می تواند ارائه ای برای مهاجرت های غیر قانونی دیگری همچون امواج مهاجرت سال ۱۹۸۰ با تابستان ۱۹۹۴ باشد. راتول نیز در این رابطه تلاش چندانی از خود نشان نداده است. اسپانیا که در گذشته کشوری استعمارگر بود، هنوز روابط مستحکم خود با کوپا را حفظ کرده است اما ابتکارات این کشور برای عادی سازی روابط کوپا و آمریکا از مواضع آمریکایی ها